

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۳ اگست ۲۰۲۴

هدف نتانياهو در سفرش به امريكا كسب مجوز حمله به ايران بود

۲۲ سال پیش در ۱۲ سپتمبر ۲۰۰۲ -یک سال بعد از تجاوز امریکا به افغانستان و ارتکاب ۲۰ سال جنایت و شکست مفتضحانه که باعث شد پا به فرار گذارند و طالبان مجدداً به قدرت رسید- نتانياهو از سوی امپریالیسم امریکا به عنوان یک میلیتاریست «متخصص» و نماینده امپریالیسم در منطقه خاورمیانه برای سخنرانی در کنگره امریکا به این کشور دعوت شد. در محتوای بحث در آن روز این پرسش در رأس قرار گرفته بود که امریکا بعد از افغانستان باید به چه کشوری در خاورمیانه حمله کند!؟

در آن جلسه نتانياهو در سخنرانی خود اظهار داشت که کشور بعدی باید عراق باشد! چون اگر عراق را بزنیم بقیه را راحت تر می شود زد! عراق راحت ترین لقمه است! او در همان نطق ۲۲ سال پیشش با این استدلال که: «ایران بازترین جامعه و آزادترین جامعه و کشور در منطقه است، اینترنت دارد و ... ولی در عراق اینطور نیست و عراق به دلیل تحریم ها و ضربات نظامی که در جنگ اول عراق خورده، ضعیف تر گشته است. راحت تر می توان بر آن غلبه کرد»، حمله به ایران را در آن زمان نادرست ارزیابی کرد. او برای تقویت استدلال خود در عین حال افزود که «کافی است شما از طریق تبلیغات در تلویزیونهای فارسی زبان خارج برای ایران و دنیای مجازی، تبلیغات آزادی، رفاه و زندگی غربی را میان مردم ببرید و آن ها را از این طریق علیه جمهوری اسلامی بشورانید.» (همان کاری که تلویزیونهای فارسی زبان پنجگانه در خارج از ایران هنوز هم مشغول دامن زدن به آن هستند. -توفان) و سپس نتیجه گرفت که «اول باید صدام را زد بعد جمهوری اسلامی ایران را، چون ۳ چیز در منطقه مهم است و آن این که پیروز شوید، پیروز شوید و باز هم پیروز شوید. قدرت مهمترین چیز است. لذا اول افغانستان، بعد عراق و سپس ایران. چون افغانستان را بزنی همسایه ها ضعیف می شوند، عراق را بزنی نیز، همینطور.» ولی این نظریات «تحلیلگر و متخصص منطقه (!!) تو زرد از آب در آمد!» آن که در این میان مجبور به فرار از افغانستان شد امریکا بود، آن که از سوریه و عراق گریخت امریکا بود، آن که امروز در اثر ضربه کاری حماس در ۷ اکتوبر هنوز درگیر یک جنگ فرسایشی است که قرار بود در عرض دو هفته حماس را شکست دهد و پیروز شود، اسرائیل است و آن که در این میان تقویت شد، نیروی نظامی ایران بود. امروز حتی ترمپ در مورد جنگ عراق اظهار مخالفت می کند.

حتی در زمان توافق برجام بسیاری از متخصصان و کارشناسان اسرائیلی آن توافق را مثبت ارزیابی کردند ولی نتانياهو، این «کارشناس بی همتا!» ضد آن بود و به مثابه یکی از اهرمهای فشار به ترمپ برای خروج از آن عمل

کرد.

متخصصان و کارشناسان اسرائیلی در آن زمان برجام را مثبت ارزیابی می کردند، ولی نتانیاهو ضد برجام بود. اگر برجام در قید حیات می بود ایران ۱۵ سال لازم داشت تا به سلاح هسته ئی دست پیدا کند. با بیرون آمدن ترمپ از برجام، امروز ایران فقط دو هفته زمان (بر طبق نظر کارشناسان غربی) لازم دارد تا به بمب اتمی دست یابد! اینست نتیجه سیاست های مشعشعانه یک جانی حرفه ئی در لباس «تحلیلگر سیاسی» که در رأس امور رژیم صهیونیستی قرار گرفته است، البته با همدستی یک جاعل اسناد، بزهدکار و مجرم که دادگاه او را متهم شناخته است، به نام ترمپ رئیس جمهور وقت امریکا.

نتانیاهو در نطق اخیر خود در کنگره امریکا برای فریب سیاستمداران کنگره و سنا و برای فریب افکار عمومی بار دیگر ادعا کرد که «ما در خط مقدم مبارزه با تروریسم حزب الله، حماس و ایران علیه بربریت، برای دفاع از منافع شما هستیم! اگر می خواهید جنگ به نفع ما تمام شود باید هر چه که ما می خواهیم به ما بدهید!» و با وقاحتی که در کمتر سیاستمداری می توان سراغ گرفت نسبت به تظاهرات وسیع بیرون کنگره اعلان موضع کرد و گفت: «آنها که در بیرون کنگره اعتراض به سیاست ما می کنند، احمق هائی هستند که به ایران کمک می کنند.»

دولت انتلافی و فاشیستی «نی نی» در جنگ غزه نیز دچار توهم است و امروز با آن که یکبار در جولای ۲۰۰۶ در یک جنگ تجاوزکارانه و خونین ۳۳ روزه از حزب الله شکست خورد، باز فیلش یاد هندوستان کرده و با دروغ و توطئه قصد حمله به حزب الله را دارد که به طور قطع در این عرصه نیز شکست خواهد خورد. زیرا حزب الله از نظر تسلیحاتی با حماس قابل قیاس نیست. برای مثال آنها از راکت های ضد تانک ساخت روسیه و ایران و از راکت های دوربرد نقطه زن که قادرند هر نقطه از اسرائیل را بزنند برخوردارند. علاوه بر این آنها دارای یک ناوگان پهپادی قوی می باشند.

حزب الله قادر است با شلیک موجی از راکت های دوربرد نقطه زن، در آن واحد سیستم «گنبد آهنین» اسرائیل و سایر پایگاه های نظامی نظیر پدافند های ستراتیژیک اسرائیل را هدف قرار داده و آنها را خنثی سازد. در عین حال زیربنای آن نیز از ضربات حزب الله در امان نخواهد ماند. این نکته نیز قابل ذکر است که روزنامه «تاگس اشپیگل» برلین در تاریخ ۳۰ جولای ۲۰۲۴ نوشت که «حزب الله و سایر گروه های نظامی محور مقاومت متحد ایران می باید خود به توانمندی ساخت سلاحهای فوق الذکر دست یابند. آنگونه که از شواهد امر برمی آید آنها به این توانائی ها دست یافته و خود مشغول تولید آنها هستند.»

نتانیاهو با ارزیابی و اطلاعات غلطی که در اختیار سران امریکا و نیز کشور جعلی خودش قرار داده و می دهد، باعث به آتش کشیده شدن منطقه شده است. ماجراجوئی ها و شقاوت و خونخواری او و همراهانش سران بسیاری از کشورها و میلیونها نفر در سراسر جهان را به اعتراض و ا داشته است. بی جهت نیست که بیش از نیمی از اعضای حزب دموکرات در سخنرانی اخیر او در ۲۴ جولای در کنگره امریکا شرکت نکردند. حتی «نانسی پلوسی»، «بلینکن» و «کاملا هریس» از شرکت در سخنرانی این عنصر پلید خودداری کردند. نتانیاهو با بی شرمی زائد الوصفی در جلسه مذکور به سازمانهای بین المللی، به دانشجویان امریکا، اروپا و سراسر جهان که به مخالفت با جنگ علیه مردم بی دفاع غزه برخاسته اند، به مردم فلسطین، به افکار عمومی جهان از جمله غرب و به تمام سازمانها و نهادهائی که با این جنگ ضد بشری و با این نسل کشی مخالفت کرده و آن را محکوم می کنند گفت: «شما هر که هستید، امریکا پشت ماست.»

البته هسته اصلی سخنان او در آن جلسه نشان دادن خطر ایران و این که باید در مقابل این کشور ایستاد، بود. او برای گرفتن چراغ سبز به این سفر رفته بود. دام اخیر وی در مورد راکت زدن به روستای مجدل شمس (این روستا یکی از ۴ روستای دروزی نشین در بلندیهای جولان است که از سال ۱۹۶۷ تحت اشغال اسرائیل است.) که منجر به کشته شدن ۱۲ نوجوان ۱۰ تا ۱۶ ساله شد، را باید در این رابطه ارزیابی کرد. بی جهت نیست که اسرائیل ادعا کرد که حزب الله این راکت را به مجدل شمس شلیک کرده و راکت مزبور ساخت جمهوری اسلامی ایران است. البته حزب الله این اتهام را قویاً تکذیب کرده است. اما هدف اسرائیل شعله ور ساختن جنگ به سوی ایران است. البته این ایران ستیزی وی مایه تمسخر نه تنها جهانیان که مردم خود اسرائیل نیز گشته است.

یکی از دلایل این به در و دیوار زدن های نتانیاها و کابینه جنگی اش را باید در ضربه مهلک و کاری که جنبش مقاومت فلسطین در ۷ اکتوبر سال گذشته بر ارتش او وارد ساخت و افسانه «قدرت بازدارنده نظام صهیونیستی اسرائیل را نه تنها به سخره گرفت، بلکه به آن آسیب جدی وارد کرد، جست و جو کرد. بی جهت نیست که نتانیاها بلاانقطاع از نابودی حماس می گوید، امری که او تنها می تواند خوابش را ببیند، چون در دنیای واقعیت، امری غیرممکن به نظر می رسد.

امروز به هیچ وجه نمی توان کتمان کرد که با حمله ۷ اکتوبر، و نیز با قدرت یابی بی سابقه یمن و حزب الله «قدرت بازدارندگی» اسرائیل زیر سؤال رفته است. به بیان دیگر علاوه بر حماس و جبهه مقاومت فلسطین، جبهه های چندگانه دیگر نظیر یمن، حزب الله، حشدالشعبی عراق که مورد تأیید ایران هستند، خواب امنیت را از سران رژیم صهیونیستی ربوده اند. به همین دلیل نتانیاها به مثابه نماینده صهیونیستهای اسرائیل و سراسر جهان هیچ فرصتی را برای این که ایران را دشمن اصلی خود نشان دهند که باید آن را خنثی کرد از دست نمی دهند. غافل از این که نه تنها قدرت نظامی ایران با ۲۰ سال پیش به هیچ وجه قابل مقایسه نیست بلکه جهان امروز نیز جهان متفاوتی از دو دهه پیش است.

جهان جنوب دیگر قدر قدرتی جهان شمال به سرکردگی امریکا و سازمان نظامی اش ناتو را بر نخواهد تا بید. هر چند نتانیاها بکوشد ایران را تهدید و خطر جدی برای غرب وانمود سازد و اسرائیل را مدافع منافع امریکا و غرب. البته به دیده ما دومی از این جهت درست است که اصولاً یکی از دلایل مهم تشکیل دولت اسرائیل و تا دندان مسلح کردن آن به مثابه پایگاه نظامی قدرتمند در منطقه نفت و گاز خیز خلیج فارس، به خاطر حفظ سلطه امپریالیسم امریکا به طور اخص و منافع غرب به طور اعم بوده است.

نتانیاها تجاوزات ارتش اسرائیل به غزه وسایر کشورهای منطقه نظیر سوریه، اردن و بعضاً ایران و نیروهای محور مقاومت را جنگ اسرائیل با دشمنان غرب و فداکاری ارتش تجاوزکار اسرائیل در خط مقدم جبهه می نمایاند و چنین وانمود می کند که با تشکیل ائتلافی نظامی از کشورهای غربی و اسرائیل می توان خطر ایران برای غرب را خنثی کرد (!!) و جهان غرب نیز به او لبیک گفت. علاوه بر امریکا هم دولت و هم اپوزیسیون المان نیز از اسرائیل در جنگ با حزب الله (که هدف البته ایران است) اعلام حمایت کردند.

البته آنطور که از شواهد امر پیداست بعید به نظر می رسد که امریکا و یا اروپا مستقیم در جنگ با ایران شرکت کنند ولی در صورت درگیری مستقیم بین اسرائیل و ایران حمایت تسلیحاتی غرب به ویژه امریکا به اسرائیل مسجل است.

هر چند که اسرائیل با سرسختی وانمود کند که خطر اصلی ایران است (و یا به قول ایران فروشان وطنی سر مار در تهران است) و به همین دلیل باید توان نظامی اش نابود شود! ولیکن این آرزو و خواب و خیالی بیش نیست. زیرا

همانطور که حملات حماس، حزب الله، یمن و ایران (وعده صادق) به اسرائیل طی یک سال گذشته نشان داد اسرائیل جعلی به مثابه کشوری کوچک، علی رغم اقتدار نظامی، بسیار آسیب پذیر است و در جنگ با ایران و محور مقاومت بازنده اصلی او خواهد بود. حتی اگر همانند جنگ تجاوزکارانه «نیروی ائتلاف» علیه عراق که فشار صهیونیستهای اسرائیل و امریکا در به راه انداختن آن نقش تعیین کننده ای داشتند، ماشین جنگی ناتو و یا بخشی از آن به سرکردگی امریکا علیه ایران وارد کارزار شود و ضرباتی به ایران وارد کند، اسرائیل از ضربات ایران و محور مقاومت جان سالم به در نخواهد برد. مضافاً این که امکان پشتیبانی از ایران از جانب جنوب جهانی منتفی نخواهد بود.

به هر حال آنچه مسلم است اسرائیل عملاً به راه حل تجربه شده جنگ افروزی و تجاوز هفتاد و اندی سال گذشته علیه کشورهای منطقه نظیر مصر، سوریه، اردن، لبنان و ... می اندیشد و حضور او در مجمع مشترک سنا و مجلس نمایندگان امریکا و سپس ملاقات با ترمپ را باید در راستای تدارک تجاوز به ایران ارزیابی کرد. بی جهت نبود که او در سخنرانی اش ایران را «تهدید جدی برای غرب!!» و خود را «حافظ منافع غرب و اسرائیل در خاورمیانه» جلوه داد. او جنگ با حماس، حزب الله، یمن و گروه حشد الشعبی عراق را «جنگ با نیروهای نیابتی ایران» خواند که دشمن غرب است و اسرائیل فداکارانه در این جنگ به خاطر حفظ منافع غرب با آنها می جنگد. او با وقاحت همیشگی خود «تشکیل یک جبهه ائتلافی غربی-اسرائیلی را برای حفظ تمدن غرب (!!) ضروری دانست و آن را ائتلاف ابراهیم خواند» (نام ائتلاف شکست خورده با اعراب). او با این سخنان در واقع به جهانیان نمایاند که در تدارک تجاوز به ایران، امید به پشتیبانی همه جانبه نظامی و مالی غرب، به ویژه امریکا دارد. او در این راستا از هر موقعیتی سوءاستفاده خواهد کرد تا مناسبات غرب با ایران را متشنج کند. امری که همچون خاری در چشم غرب گرایان اصلاح طلب صف کشیده پشت پزشکیمان می خلد.

طبیعی است بروز چنین درگیری برای مردم، قدرت اقتصادی و بالاخره زیربنای ایران بسیار زیانمند خواهد بود. راه چاره ایران در چنین شرایطی از یک سو اتخاذ یک سیاست مستقلانه پایدار است. به این معنی که در عین استقلال عمل در مناسبات اقتصادی عادلانه با همه کشورهای جهان، در عین حال از شرایط به وجود آمده جهانی در رابطه با چند قطبی شدن مناسبات دنیا و نیز سازمانها و نهادهای اقتصادی جدید شکل گرفته نظیر بریکس، شانگهای و اوراسیا به اضافه بهره برداری حداکثری از جاده ابریشم نهایت بهره را ببرد. اجرای پیمانهای همه جانبه ۲۵ ساله با چین و ۲۰ ساله با روسیه، تعامل سازنده با تمام نیروهای خواهان صلح، همزیستی مسالمت آمیز، حفظ تمامیت ارضی و مناسبات عادلانه اقتصادی براساس به رسمیت شناختن حقوق متقابل نیز از جمله ضروریات زمان است. ایران تنها از این طریق قادر خواهد بود که مناسبات سازنده خود را در عرصه جهانی گسترش و تعمیق بخشد و توطئه های بیگانگان را خنثی سازد.

در عین حال بدون مبارزه با دزدی، فساد، رانت خواری و غارت در کشور، مبارزه جدی با افزایش تورم و بازی با نرخ ارز، افزایش تولید و جلوگیری از فرار سرمایه و در نهایت بهبود یافتن وضع معیشتی مردم و نیز استقرار آزادی در همه زمینه ها جهت حفظ انسجام درونی، پیروزی در مناسبات پیچیده و غامض بیرونی غیر ممکن خواهد بود. در چنین حالتی آنان که در سطح جهان و منطقه افشاء و طرد خواهند شد اسرائیل و حامیان وی خواهند بود. تنها اتخاذ چنین سیاستی از سوی ایران می تواند فرصت سوءاستفاده و تشنج آفرینی اسرائیل را از وی سلب کند.